

کتاب سِفْنیای نبی

مقدمه

سِفْنیای نبی احتمالاً این کتاب را در ۶۲۱ قبل از میلاد مسیح نوشته است. اصلاحات مذهبی که یوشیا، پادشاه یهودا در سال ۶۲۱ ق.م. به راه انداخت، تا حدی نتیجهٔ موعظه‌های سِفْنیای نبی بوده است.

سِفْنیا در این کتاب پیشگویی می‌کند که یهودا مثل اقوام دیگر که خدایان غیر را پرستش می‌کنند به مجازات گرفتار خواهند شد. برعلاوهٔ یهودا، فلسطین، موآب، مصر و آشور نیز مورد قضاوت خدا قرار خواهند گرفت. او به بنی اسرائیل یادآور می‌شود که اگر دوباره به خدا رجوع کنند، می‌توانند از این قضاوت رهایی یابند.

در اخیر کتاب سِفْنیا به شکوه و قدرت بنی اسرائیل می‌پردازد که خداوند مجدداً نصیب این قوم خواهد کرد. آیت ۱۷ فصل ۳ این کتاب انعکاس دهندهٔ محبت بی‌پایان خدا به انسان است که می‌فرماید: «خداوند، خدایت که در تو سکونت می‌کند، قادر و توانا است و ترا نجات می‌دهد. محبت او به تو زندگی تازه می‌بخشد. خداوند از تو راضی است و با سرودها بر تو خوشی می‌کند.»

فهرست مندرجات:

روز قضاوت خداوند: فصل ۱: ۱ - ۲: ۳

سقوط همسایگان اسرائیل: فصل ۲: ۴ - ۱۵

۱ کلام خداوند در دوران سلطنت یوشیا (پسر آمون)، پادشاه یهودا، به سِفِنیا نازل شد. (سِفِنیا پسر کوشی، نواسهٔ جَدَلِیا، کواسهٔ اَمَریا و اَمَریا پسر حزقیا پادشاه بود.)

روز داوری خداوند

۲ خداوند می‌فرماید: «من همه چیز را از روی زمین بکلی نابود خواهم ساخت. ۳ تمام انسانها، حیوانات، پرندگان و ماهیان را از بین خواهم برد. به حیات مردم شریر خاتمه می‌دهم، همهٔ بشر را محو می‌کنم و حتی یک نفر را هم زنده نمی‌گذارم.» این کلام خداوند است. ۴ «مردم یهودا و اورشلیم را به سزای اعمال شان می‌رسانم و آثار بت بعل و نام کاهنانِ بت پرست را محو می‌سازم. ۵ آنهایی را که بر بامها آفتاب و مهتاب و ستارگان را می‌پرستند و هم کسانی را که در ظاهر مرا سجده می‌کنند و به من سوگند وفاداری یاد می‌کنند، اما در باطن بنام بت مولک قسم می‌خورند، هلاک می‌کنم. ۶ آنهایی را که از پیروی من دست کشیده‌اند و آن اشخاصی را که در طلب من نیستند و از من راهنمایی نمی‌خواهند، نابود می‌سازم.»

۷ در حضور خداوند متعال خاموش باش، زیرا روز خداوند نزدیک است. او قربانی‌ای را مهیا کرده است و دعوت شدگان خود را تقدیس نموده است. ۸ خداوند می‌فرماید: «در آن روز جزا، رهبران، شهزادگان و همچنین کسانی را که از رسم و رواج بیگانگان پیروی می‌کنند، به سزای اعمال شان می‌رسانم. ۹ آن عده اشخاصی را که مانند بت پرستان عبادت می‌کنند (یعنی بخاطر

ترس از گذاشتن پای بر آستانه از روی آن خیز می‌زنند) و همچنین کسانی را که دست به دزدی و آدمکشی می‌زنند تا معابد خدایان خود را از مال دزدی پُر سازند، مجازات می‌کنم.»

^{۱۰} خداوند می‌فرماید: «در آن روز صدای فریاد و ناله از دروازهٔ ماهی در اورشلیم شنیده می‌شود، آواز فغان و ولولۀ مردم قسمت دوم شهر و صدای مهیب و هولناک از تپه‌ها بگوش می‌رسد. ^{۱۱} ای مردم بازار، فریاد و شیون کنید، زیرا همهٔ تاجران تلف می‌شوند. ^{۱۲} در آن روز چراغی را گرفته اورشلیم را تفتیش می‌کنم و اشخاص خودپرست را که می‌گویند: «خداوند با ما کاری ندارد، نه نیکویی می‌کند و نه بدی» مجازات می‌کنم. ^{۱۳} مال و دارائی شان تاراج و خانه‌های شان ویران می‌شوند. خانه‌ها می‌سازند، اما در آن‌ها سکونت نمی‌کنند. تاکستانها غرس می‌کنند، ولی از شراب آن‌ها هرگز نمی‌نوشند.»

^{۱۴} روز بزرگ خداوند نزدیک است و بزودی فرامی‌رسد. در آن روز جانگداز حتی شجاعترین و قویترین مردان به تلخی گریه می‌کنند. ^{۱۵} آن روز، روز غضب است. روز سختی و اضطراب، روز تاریکی و ظلمت و روز ابرهای غلیظ و سیاهی مطلق است. ^{۱۶} در آن روز شیپور نواخته می‌شود و علیه شهرهای مستحکم و برجهای بلند جنگ آغاز می‌گردد.

^{۱۷} خداوند می‌فرماید: «مردم را چنان پریشان و درمانده می‌سازم که مثل شخص کور نتوانند راه خود را پیدا کنند، زیرا آن‌ها در برابر من گناه کرده‌اند. خون شان بر خاک می‌ریزد و اجساد شان به روی زمین گنده می‌شوند.»

^{۱۸} در آن روزِ غضبِ خداوند، طلا و نقرهٔ شان نمی‌تواند آن‌ها را نجات بدهد. تمام زمین در آتش غضب او می‌سوزد و همه ساکنین روی زمین با مرگ ناگهانی از بین می‌روند.

دعوت برای توبه

^{۱-۲} ای قوم بی‌حیا، پیش از آنکه مثل کاه در برابر باد رانده شوید، قبل از آنکه روزِ هولناکِ غضبِ خداوند ناگهان برسد و همه چیز را در سر راه خود از بین ببرد، گناهان تان را بیاد آورید و توبه کنید. ^۳ ای مردم فروتن این سرزمین که احکام او را بجا می‌آورید، راستکار باشید و با تواضع و شکسته‌نفسی بسوی خداوند باز گردید تا شاید در آن روزِ غضبِ خود، شما را در پناه خود نگاهدارد.

نابودی اقوام همسایهٔ اسرائیل

^۴ شهرهای غزه، اَشْقَلُون و اَشْدُود متروک و از سکنه خالی می‌شوند. اهالی عَقْرُون از شهر بیرون رانده شده، ریشه کن می‌گردند. ^۵ وای بحال شما فلسطینیانی که در ساحل بحر و در سرزمین کنعان سکونت دارید، زیرا شما محکوم به مرگ هستید و خداوند شما را نابود می‌سازد. حتی یک نفر شما را هم زنده نمی‌گذارد. ^۶ کشور ساحلی شما چراگاهی برای چوپانها و طویلهٔ گوسفندان می‌شود. ^۷ بازماندگان قبیلهٔ یهودا کشور شما را تسخیر می‌کنند و در آنجا رمه‌های خود را می‌چرانند و خانه‌های اَشْقَلُون را خوابگاه خود می‌سازند، زیرا خداوند متعال از قوم برگزیدهٔ خود مراقبت نموده و آن‌ها را دوباره سعادت‌مند و خوشبخت می‌گرداند.

^۸ «طعنه‌های مردم موآب را شنیده‌ام و دیدم که عمونی‌ها چطور قوم برگزیده مرا تحقیر و مسخره می‌کردند و با غرور می‌گفتند که سرزمین آن‌ها را اشغال می‌کنند.»^۹ بنابراین خداوند قادر مطلق، خدای اسرائیل می‌فرماید: «به حیات خودم قسم که موآب و عمون مثل سدوم و عموره نابود می‌گردند و به یک سرزمین خارزار و گودالهای نمک و ویرانی ابدی تبدیل می‌شوند و بازماندگان قوم برگزیده من سرزمین آن‌ها را تصرف می‌کنند.»

^{۱۰} مردم موآب و عمون بخاطر غرور خود به چنین سرنوشتی دچار می‌شوند، زیرا به قوم برگزیده خداوند قادر مطلق اهانت کرده آن‌ها را مورد تمسخر خود قرار دادند.^{۱۱} خداوند آن‌ها را به بلاهای وحشت آوری دچار می‌سازد و همه خدایان روی زمین را از بین می‌برد. آنگاه تمام اقوام جهان در کشورهای خود او را پرستش می‌کنند.

^{۱۲} ای مردم حبشه، خداوند شما را هم با شمشیر خود هلاک می‌کند.

^{۱۳} خداوند با قدرت خدائی خود آشور را نابود می‌سازد، پایتخت آن، نینوا را به بیابان خشک و لامزرع تبدیل می‌کند.^{۱۴} آنجا چراگاه گوسفندان و محل بود و باش هر نوع حیوانات می‌شود. در ویرانه‌های آن جغد و بوم آشیانه می‌کنند و صدای شان از کلکین‌های خانه‌ها بگوش می‌رسد. زاغها در آستانه خانه‌ها آواز می‌خوانند. چوبهای سرو که در بنای عمارات به کار برده شده بودند، از بین می‌روند.^{۱۵} این شهر که موجب افتخار و محل رفاه و آسایش مردمش بود، عاقبت به این سرنوشت دچار می‌گردد، زیرا این شهر با غرور می‌گفت: «در تمام دنیا مانند من شهر بزرگی

وجود ندارد.» اما سرانجام ویران و متروک می‌گردد و لانه و بیشهٔ حیوانات وحشی می‌شود و هر کسی که از آنجا بگذرد، سر خود را تکان داده بحالش افسوس می‌خورد.

گناهان اورشلیم

^۳ وای بحال شهر سرکش، شهر ظلم و نجاست، ^۲ شهری که به صدای خداوند گوش نمی‌دهد و اصلاح‌پذیر نیست. به خداوند توکل نمی‌کند و از او کمک نمی‌طلبد. ^۳ حاکمان و مأمورین آن مانند شیرهای غران و قضات آن مثل گرگهای گرسنه حریص هستند که از شکار خود تا صبح چیزی باقی نمی‌گذارند. ^۴ انبیای آن خودخواه و خیانتکاراند، کاهنانش جایگاه مقدس را نجس می‌سازند و با احکام خداوند مخالفت می‌ورزند. ^۵ خداوند هنوز هم در آن شهر حضور دارد. او عادل و با انصاف است و بی‌عدالتی نمی‌کند. هر صبح بدون استثناء عدالت خود را به برگزیدگان خود نشان می‌دهد، اما با اینهم، بدکاران با بی‌حیائی به اعمال شرم‌آور خود ادامه می‌دهند.

^۶ خداوند می‌فرماید: «من اقوام زیادی را از بین برده‌ام. شهرهای شان را ویران و دیوارها و برجهای آنها را خراب کرده‌ام. شهرها متروک و جاده‌ها از مردم خالی شده‌اند و یک نفر هم باقی نمانده است. ^۷ گمان کردم که مردم از من می‌ترسند و تأدیب می‌شوند و هوشدارهایم را فراموش نمی‌کنند، اما آنها توجهی نکردند و به اعمال فاسد خود ادامه دادند.»

^۸ بنابراین خداوند می‌فرماید: «برای من منتظر باشید، روزی که

علیه اقوام جهان برخیزم و آنها را محکوم سازم فرامی رسد. اراده من این است که همه سلطنتها را جمع کنم و خشم خود را بر آنها بریزم. تمام دنیا در آتش غضب من گداخته می شود.^۹ آنوقت به مردم جهان زبان پاک عطا می کنم تا فقط نام مرا یاد کنند و تنها مرا بپرستند.^{۱۰} قوم پراگنده من از ماورای دریاهاى حبشه با هدایای خود برای عبادت من می آیند.^{۱۱} در آن زمان شما ای قوم برگزیده من، دیگر از سرکشی ها و کارهایی که علیه من کرده اید، شرمند نمی شوید و تمام مردم متکبر و خودخواه را از میان شما دور می کنم. از آن ببعد، دیگر در کوه مقدس من غرور و تکبر وجود نمی داشته باشد.^{۱۲} فقط کسانی که فروتن و متواضع هستند و به من پناه می آورند، باقی می مانند.^{۱۳} آنها به کارهای زشت دست نمی زنند، دروغ نمی گویند، حرف فریبنده ای از زبان شان شنیده نمی شود. آنها در آرامش و امنیت زندگی می کنند و کسی نمی تواند آنها را بترساند.»

سرود شادمانی

^{۱۴} ای دختر صهیون، سرود خوشی را زمزمه کن!

ای اسرائیل، آواز شادمانی را بلند کن!

ای دختر اورشلیم، به تمامی دل شادمان شو و وجد نما!

^{۱۵} زیرا خداوند گناهان ترا بخشیده

و دشمنانت را شکست داده است.

خداوند، پادشاه اسرائیل، همراه تو است

و تو نباید از هیچ بلائی بترسی.

^{۱۶} در آن روز به اورشلیم می‌گویند:

«نترس! ای صهیون، دلیر و قوی باش!

^{۱۷} خداوند، خدایت که در تو سکونت می‌کند،

قادر و توانا است و ترا نجات می‌دهد.

محبت او به تو زندگی تازه می‌بخشد.

خداوند از تو راضی است

و با سرودها بر تو خوشی می‌کند.»

^{۱۸} خداوند می‌فرماید: «به غمها و مصیبت‌های خاتمه می‌دهم و

دیگر ترا در نظر دشمنان خوار و حقیر نمی‌سازم. ^{۱۹} روز جزای

کسانی که بر تو ظلم کرده‌اند، فرامی‌رسد. مردمان لنگ را نجات

می‌دهم و تبعیدشدگان را به وطن‌شان باز می‌گردانم. ننگ‌شان را

به عزت و افتخار تبدیل می‌کنم و آنوقت تمام دنیا از آنها تمجید

و توصیف می‌کنند. ^{۲۰} در آن زمان شما را از همه جا جمع می‌کنم.

شما را در جهان مشهور می‌سازم و در برابر چشمان خودتان یکبار

دیگر شما را سعادت‌مند و شادکام می‌گردانم.»

این را خداوند فرموده است.